



# شاعر گمنام شعر فارسی میرزا احمد صبور کاشانی

فرزانه کریمی

عطا محمد رادمفثنش

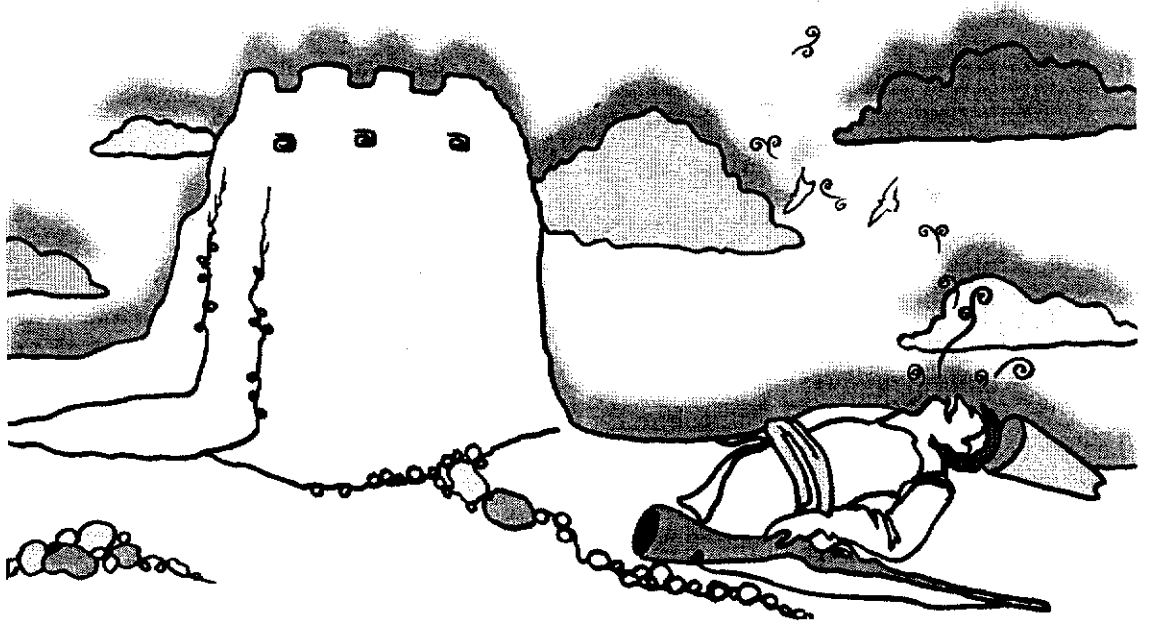
طالبش است.<sup>۹</sup> مؤلف تاریخ منتظم ناصری این واقعه را این‌گونه شرح می‌دهد: «... و حضرت مستطاب نایب‌السلطنه در پهلوی قلعه لنگران طالبش سنگر محکمی بستند و صادق‌خان لاریجانی با سه عزاده توپ و دسته لشکری به حراست آن سنگر محکوم گردیدند و پیرقلی شامبیاتی و عسکرخان افشار ارومی و علی‌خان شاطرباشی نوری و میرزا احمد [صبور] سرهنگ کاشانی، برادرزاده فتحعلی‌خان ملک‌الشعراء با دسته‌ای از قشون آذربایجان به حفظ قلعه ارکون مقرر گشتند...»<sup>۱۰</sup> پس از شکست عباس میرزا از کتروسکی، سردار

از دولت شه، صبور کاشان  
با عزت و جاه بود و با شان  
او پور برادر صبا بود  
در خورد هزار مرحبا بود  
شد کشته به جنگ لشکر روس

دو بیت از او نوشتیم، افسوس<sup>۱</sup>  
میرزا احمد کاشانی متخلص به «صبور» از اکابر زادگان دارالمؤمنین کاشان<sup>۲</sup> و برادرزاده ملک‌الشعراء فتحعلی‌خان صبای کاشانی است. در سده سیزدهم می‌زیست. وی در کاشان متولد شده<sup>۳</sup> و نزد عمو و پدر خویش نشو و نما یافته است.<sup>۴</sup> اما در اصل از مردم آذربایجان از خاندان امرای دنبلی است. خود وی به عبدالرزاق دنبلی مؤلف نگارستان دارا گفته است: «جد ما از سلسله شما بوده از بنده خوی به کاشان آمده و در آن دیار توطن کرده است.»<sup>۵</sup> سلسله او چنین است: میرزا احمد بن... ابن آقا محمد بن امیر فاضل بیک بن امیر شریف بیک بن امیر غیاث بیک... که به سی و یک پشت به یحیی بن خالد برمکی می‌رسد. این خاندان را می‌توان اولین خاندان بزرگ ادبی شمرد که سلسله نسب آنان از عهد قدیم تا امروز به هم پیوسته و دارای ریاست و جلالت و بزرگی و هنرنده<sup>۶</sup>.

صبور از شعرای عهد فتحعلی‌شاه قاجار و از ندیمان دربار وی بوده که بعد از استقرار عباس میرزا در آذربایجان از دارالخلافه به آنجا رفته و در نزد ولیعهد قرب و منزلت یافته و در زمره منشیان خاص<sup>۷</sup> و مدتی مستوفی دیوان<sup>۸</sup> وی بوده است. وی همراه عباس میرزا در منصب سرهنگی فوج نومسلمانان روس که مشهور به فوج بهادران بودند، به جنگ با روس‌ها رفت و در غزوه ارکون طالبش در سال ۱۲۲۸ هـ. ق کشته شد. مدفن وی در

- ۱- محمدباقر رشحه اصفهانی، تذکره منظوم رشحه. ص ۴۹.
- ۲- محمد صالح شاملوی خراسانی. محک شعراء. ص ۱۹۰. و نیز میرزا علی‌اکبر نواب (بسمل)، تذکره دلگشا، ص ۳۰۲. همچنین احمد قاجار (خراب)، مصطبه خراب، ص ۱۱۶. بهمن میرزا قاجار، تذکره محمد شاهی، ص ۴۶۳.
- ۳- عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، فرهنگ شاعران زبان فارسی، ص ۳۳۳.
- ۴- عبدالرزاق دنبلی، نگارستان دارا، نگارخانه سوم، ص ۲۹۷.
- ۵- همان، ص ۲۹۷.
- ۶- برگرفته از لغت نامه دهخدا ذیل واژه «صبا».
- ۷- رضاقلی‌خان هدایت، مجمع الفصحا، ج ۵، ص ۶۸۸. و نیز عبدالرفیع حقیقت، همان، ص ۳۴۳. محمود هدایت، گلزار جاویدان، ج ۲، حرف ص. سیداحمد دیوان بیگی شیرازی، حدیقه الشعراء، ج ۲، ص ۹۹۶.
- ۸- بهمن میرزا قاجار، همان، ص ۴۶۳. عبدالرزاق دنبلی، همان، ص ۲۹۷.
- ۹- عبدالرزاق دنبلی، همان، ص ۲۹۷.
- ۱۰- اعتمادالسلطنه [محمدحسن‌خان]، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، صص ۱۵۰۴-۱۵۰۵.



میرزا محمد در سایه ولیعهد به تحصیل مشغول است.»<sup>۱۴</sup>  
 احتمالاً صبور پسر دیگری به نام ابراهیم داشته که در  
 سال ۱۲۱۲ ه. ق متولد شده است و صبور در تاریخ  
 تولد او قطعه‌ای سروده:

فخر دوران میرزا احمد کش آمد دست و دل  
 معدن جود و فتوت، منبع فضل و هنر...  
 لطف یزدان داد فرزندیش کز وی باد شاد  
 در جنان روح نیا و در جهان جان پدر...  
 از پی تاریخ سالفش زد رقم کلک صبور

جسته ز ابراهیم ایدون بزم احمد زیب و فر  
 در تاریخ منتظم ناصری، همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره  
 شد، از نوه وی یعنی زین‌العابدین بن محمد نام برده شده  
 که یکی از نسخ دیوان صبور در سال ۱۳۲۰ ه. ق در  
 کاشان به دست او رسیده است.

در مورد خصوصیات اخلاقی صبور محمدصادق هما  
 در زینة‌المدایح می‌گوید: «شاعری است فرشته‌خصال و  
 سخنوری است خجسته‌احوال، اخلاقی حمیده و صفاتش  
 پسندیده، از معاصی دور و از ارتکاب مناهی مهجور است،  
 از فضیلت بهره‌ور و در سلک شعرای فصاحت‌گستر است،  
 صداقت‌کیش و ارادت‌اندیش، اخلاص شعار و جان‌نثار  
 شهنشاه گردون اقتدار است. خطش خوب و نظمش  
 مرغوب، به غث و سمین سخن آگاه و قصاید رنگینش بر

روس «کنتروسکی که قوت قلبی به هم رسانیده بود به  
 جانب ارکون روان شد و مستحفظین که واقعه اصلاندوز  
 (شکست عباس میرزا) را شنیده بودند بدون جنگ قلعه را  
 از دست دادند و کسی در صدد مقاومت و مدافعه برنیامد  
 مگر میرزا احمد [صبور] سرهنگ کاشانی، جد میرزا  
 زین‌العابدین، طبیب حضور همایون که سرکرده فوج بنگی  
 مسلمان بود. این سرهنگ با غیرت در رشادت چندان  
 پایداری نمود که مقتول و فی الحقیقه شهید شد.»<sup>۱۱</sup>

مؤلف زینة‌المدایح در سال ۱۲۲۳ ه. ق وی را کلانتر  
 ولایت کاشان دانسته، می‌افزاید: «... و به این واسطه از  
 اعظام آن ولایت ممتاز است.»<sup>۱۲</sup> در مورد سال تولد،  
 احوال دوران کودکی و تحصیلات صبور و اینکه از چه  
 سنی شروع به سرودن شعر کرده اطلاعی در دست  
 نیست. نام پدر او نیز در هیچ یک از تذکرها ذکر نشده  
 است، اما همه تذکرها متفق‌القول او را برادرزاده  
 فتحعلی خان صبا می‌دانند و خود او در ضمن یکی از  
 قصایدش به این موضوع اشاره نموده است:

چون صبا عمم شه ملک سخن کز فیض او  
 خویش را در شاعری شیرین‌زبان آورده‌ام

همسر وی دختر حاجی محمدعلی نیاسری بوده و  
 در مجمع‌الفصحا و نگارستان دارا از یک پسر او نام برده  
 شده است: «خلف‌الصدق آن جناب آقا میرزا محمد، دبیری  
 است نیکونگار و نکته‌دان و رفیقی صداقت‌شعار و مهربان و  
 در خدمت ایشان دیوان آن جناب (صبور) به نظر رسیده،  
 از نتایج طبعش پیدا است که قدرتی کامل داشته.»<sup>۱۳</sup>

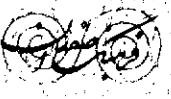
بعد از مرگ صبور «ولیعهد همان موجب و  
 سیورغال او را به عیال او باز گذاشت و فرزندش

۱۱- همان، ص ۱۵۰۶.

۱۲- محمدصادق مروری (هما)، زینة‌المدایح، ص ۳۰۲.

۱۳- رضاقلی خان هدایت، همان، ص ۶۸۸.

۱۴- عبدالرزاق دنبلی، همان، ص ۲۹۷.



پس از شکست عباس میرزا از کتروسکی، در اصلاندوز

سردار روس به جانب ارکوان روان شد و مستحفظین که واقعه

شکست عباس میرزا را شنیده بودند بدون جنگ قلعه را از دست دادند

و کسی درصدد مقاومت و مدافعه برنیامد مگر میرزا احمد [صبور] سرهنگ کاشانی،

این سرهنگ باغیرت در رشادت چندان پایداری نمود که مقتول و فی الحقیقه شهید شد.

اغلب قصایدش را با تغزل آغاز نموده و با شریطه به پایان برده است. او بلندترین قصیده‌اش را با یکصد بیت در مدح حضرت علی (ع) سروده و کوتاهترین قصیده‌اش را با بیست و یک بیت در مدح فتحعلی شاه قاجار سروده است. صبور به غزلسراییی نیز علاقه بسیاری نشان داده و در این کار رغبت به اشعار حافظ و سعدی دارد و از غزلیات آنها استقبال نموده است.

وی در قالب قطعه نیز طبع آزمایی نموده، قطعات وی به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته قطعاتی که در تاریخ وقایع و حوادث گوناگون سروده و دارای ماده تاریخ هستند، شامل ۲۶ قطعه (۲۰۴ بیت) و دسته دیگر قطعاتی که در مدح یا هجو یا تقاضا از بزرگی و یا فخر و مباحثات به خود سروده، شامل ۱۰۲ قطعه (۴۶۷ بیت) است. وی در هجو پای از دایره عفت کلام و وقار در گفتار بیرون گذاشته و الفاظی رکیک و ناپسند آورده است، خود او نیز به این تندی و برندگی زبانش در هجو واقف بوده به گونه‌ای که می‌گوید:

با چو من شاعر هزال مکن عربده ساز

ور نه هر چند بزرگی و به جای پدری

طبع چون آب من از آتش غیرت ترسم

خاک ناموس تو بر باد دهد تا نگری

در دیوان صبور علاوه بر قالبهای شعری فوق دو ترکیب بند هفت بندی (۱۲۹ بیت) و یکصد و چهل و یک

این مطلب گواه، شعرش متین و کلامش دلنشین است...»<sup>۱۵</sup> سایر تذکرها نیز این مطلب را تأیید می‌نمایند، به گونه‌ای که او را مردی کریم‌الاخلاق،<sup>۱۶</sup> نیکونهاد عالی‌نژاد،<sup>۱۷</sup> دارای اخلاق فاضله،<sup>۱۸</sup> پاک‌طینت،<sup>۱۹</sup> پاک‌اعتقاد و دیندار و زاهدی شب زنده‌دار و پرهیزگار،<sup>۲۰</sup> خوش باطن و چون اکثر اهل کاشان دامنش چون دلش پاک،<sup>۲۱</sup> در دامگاه جهان و نوایب دوران صبور و وقور و در محافل رفقا با محاورت غم‌زدا و اطوار شیرین و حرکات نمکین و صحبت روح‌فزا و مشرب عذب و شیرین سخن و آگاه از قاعده ملوک و حسن سلوک،<sup>۲۲</sup> از علوم رسمی با بهره و فنون شاعری شهره می‌دانند که در خط و ربط و انشاء نظم و نثر سرآمد اقران<sup>۲۳</sup> بوده.

شعر صبور بسیار ساده و روان است و چون سایر گویندگان این دوره تتبع از شیوه عراقی نموده و از شاعران سده‌های ششم، هفتم و هشتم پیروی نموده است. صبور بیشتر در قالب قصیده و غزل طبع آزمایی نموده به گونه‌ای که در دیوانش ۴۰ قصیده (۲۱۳۲ بیت) وجود دارد و برخلاف عم خویش، فتحعلی خان صبا از مثنوی کمتر استفاده کرده است (در دیوانش فقط یک مثنوی پنجاه بیتی وجود دارد).

او شاعری مدیحه‌سراست و دیوان خود را چنانکه معمول روزگار وی بوده با مدح پیامبر و امامان هدی آغاز نموده است. در پایان برخی از این قصاید، توسل و امید به عنایت و توجه ائمه دیده می‌شود که بیانگر مذهب و اعتقاد شاعر است. به عنوان نمونه در پایان قصیده‌ای که در مدح امام رضا (ع) سروده است می‌گوید:

ز لطف چشم آن دارم که در هنگامه محشر

برندم جانب دوزخ چو با آن دلّت و خواری

ز روی مرحمت رویم نظر بگشایی ای سرور

که از کس جز توام نبود امید رحمت و یاری

قصایدی نیز در مدح فتحعلی شاه قاجار و عباس میرزا و لיעهد سروده است.

صبور در قصیده به اشعار فرّخی، انوری و سنایی در لفظ و معنی و وزن و حتی ردیف توجه داشته است و

۱۵- محمد صادق مروزی (هما)، ص ۳۰۲.

۱۶- سید احمد دیوان‌بینگی شیرازی، همان، ج ۲، ص ۹۹۶.

۱۷- رضاقلی خان هدایت، همان، ج ۵، ص ۶۸۸.

۱۸- میرزا محمدعلی مدرس، ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۱۵.

۱۹- احمد قاجار (خراب)، همان، ص ۱۱۶.

۲۰- محمد صالح شاملوی خراسانی، همان، ص ۱۹۱۰ و نیز

میرزا علی اکبر نواب (بسمل)، همان، ص ۳۰۲.

۲۱- محمود میرزا قاجار، همان، ص ۱۳۳.

۲۲- عبدالرزاق دنبلی، همان، ص ۲۹۷.

۲۳- همان، ص ۲۹۷. احمد اختر گرجی، تذکرة انجمن آرا،

ص ۱۵.



### منابع

- احمد قاجار، (خراب)، معروف به هلاکو. مصطبۀ خراب، به کوشش دکتر ع. خیامپور، تبریز، اردیبهشت ۱۳۴۴.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان. تاریخ منتظم ناصری، جلد سوم، به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
- بهمن میرزا قاجار، تذکره محمد شاهی، نسخه خطی شماره ۹۰۳، شماره دفتر ۱۲۸۸۵، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- تهرانی، آقابزرگ. الذریعه الی تصانیف الشیعه، القسم الثانی من الجزء التاسع، الطبعه الثانیه، دارالاضواء بیروت، ۱۴۰۳.
- حقیقت. عبدالرفیع (رفیع). فرهنگ شاعران زبان فارسی، چاپ اول، تهران، اسفند ۱۳۶۸.
- دینبی، عبدالرزاق. نگارستان دارا، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، شماره ۴۳۱۱.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. چاپ دوم از دوره جدید، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- دیوان بیگی شیرازی، سیداحمد. حدیقه الشعراء. جلد دوم، با تصحیح و تکمیل و تحشیۀ دکتر عبدالحسین نوایی، چاپ اول، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۵.
- رشحۀ اصفهانی، محمدباقر. تذکره منظوم رشحه، با مقدمه و حواشی احمد گلچین معانی، انتشارات امیرکبیر، تهران، فروردین ۱۳۴۴.
- شاملوی خراسانی، محمدصالح. تذکره محک شعراء، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک. شماره ۴۰۹۶.
- گرجی، اختر. تذکره انجمن آرا، نسخه خطی شماره ۹۰۸، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- محمود میرزا قاجار. سفینه المحمود، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، شماره ۴۳۰۶.
- مدرس تبریزی خیابانی، محمدعلی. ریحانة الادب، چاپخانه شفق. تبریز، ۱۳۴۹.
- مروزی، محمد صادق. (متخلص به هما)، زینة المدایح، نسخه خطی شماره ۲۵۲۳، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- نواب شیرازی، علی اکبر. (متخلص به بسمل)، تذکره دلگشا، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، شماره ۳۸۴۰.
- هدایت، رضاقلی. مجمع الفصحاء، جلد پنجم. چاپ دوم، تهران.
- هدایت، محمود. گلزار جاویدان، جلد دوم. چاپخانه زیبا، تهران، ۱۳۵۳.
- ۲۴- آقا بزرگ تهرانی. الذریعه الی تصانیف الشیعه، القسم الثانی من الجزء التاسع.

رباعی وجود دارد. صبور در تمام قالبهای شعری فوق از انواع آرایه‌های معنوی و لفظی به خوبی بهره جسته است، از تکرار قافیه که در عهد صفوی در قالب غزل معمول بوده است در غزلیات خود استفاده نموده است. گاهی از شعر به عنوان وسیله‌ای برای طلب خواسته خود از ممدوح مدد جسته و حتی آن را در برابر قدر و ارزش ممدوح چون پای ملخی بی ارزش شمرده، اما گاه شعر خود را چنان با ارزش دانسته که آن را افکار بکر خوانده، همان طور که گاه خود را سگ معشوق دانسته و گاه چنان به خود فخر فروخته که سررشته عقل را در کف راد خویش دیده و شاگردی کردن اهل هنر را مایه افتخار شمرده است:

تهی گشت از برنجم خانه و من

در این اندیشه از هستی به رنجم

غرض من کت ز جان مدحت نگارم

برنجم گر تو نفرستی برنجم

\*\*\*

اینکم تحفه به درگاه تو پای ملخی است

تو سلیمانی و بر مور از این خرده مگیر

\*\*\*

در ثنایت کس چو من ناورده زین افکار بکر  
گرچه هر کس مر تو را از جان ستایش گستر است

\*\*\*

من هم سگی به کوی تو آخر چه می شود

یک بار نامم از گذرد بر زبان تو را

\*\*\*

دریای کمال طبع وقاد من است

سررشته عقل در کف راد من است

شاگردیم افتخار اهل هنر است

تا تربیت لطف شه استاد من است

از دیوان اشعار صبور چهار نسخه خطی موجود است؛ دو نسخه در کتابخانه ملی ملک به شماره‌های

۵۵۳۵ و ۵۵۵۱ که هر دو متعلق به قرن سیزدهم هجری

قمری می باشند و یک نسخه در کتابخانه مجلس شورای

اسلامی به شماره ۱۳۵۵۱ متعلق به قرن سیزدهم و یک

نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران متعلق به قرن چهاردهم.

تعداد ابیات این دیوان را کاتب نسخه کتابخانه دانشگاه

تهران ۵۷۰۰ بیت دانسته در حالی که ابیات موجود

در این نسخه ۵۱۸۴ بیت است و مؤلف الذریعه در

این مورد می گوید: «هذا موجود فی مکتبه (ملک)

فی اربعة آلاف بیت»<sup>۲۴</sup> در حالی که تعداد ابیات نسخه

کتابخانه ملک ۵۲۱۱ بیت و نسخه کتابخانه مجلس

۵۲۹۰ بیت می باشد.